

## در پژوهش‌های فریتس هایپر

گفتگو با دکتر مهر آفاق بایبوردی

— از سوابق تحصیلات و پژوهش‌های خود بگوئید.

من تحصیلات مقدماتی و دبیرستانی خود را در شهرهای رضائیه (ارومیه فعلی) و تهران به پایان بردم، سپس از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران لیسانس زبان و ادبیات فارسی گرفتم و در سال ۱۳۴۰ جهت تکمیل تحصیلات خود عازم کشور اتریش شدم و به مدت هشت سال در دانشگاه وین به تحصیل در رشته‌های شرقشناسی — روانشناسی — تعلیم و تربیت و فلسفه پرداختم و با تدوین پایان‌نامه دکترای خود تحت عنوان «بشریت در ایران و نقش آن در تعلیم و تربیت» که با درجه ممتاز پذیرفته شد، به دریافت درجه دکترا نایل آمدم.

جهت تمایلات من در زمینه پژوهش‌ها در همان سالهای تحصیل در دانشگاه‌ها شکل گرفت. پدر من خود دارای تمایلات عرفانی و از مریدان حضرت محبوب علیشاه (پیرمراغه) بود و من نیز از دوران کودکی از حال و هوای روحانی حاکم بر خانه مستفیض می‌شدم. از آغاز تحصیلات دانشگاهی هم تمایل و کشش خاصی نسبت به حکمت ذوقی داشته و ضمن پایبندی به معادلات منطقی و علمی در رویدادهای جهان عینی پیوسته می‌خواستم از طریق قلب و احساس به رمز و راز جهان هستی و اصل کائنات و شور و تکاپوی بشر در جستجوی خالق یکتا پی ببرم. ولی توجه اصلی من به تصوف و عرفان و معارف اسلامی زمانی در ذهن من قوت گرفت که طی پژوهش و نگارش پایان‌نامه دکترای خود در وین با میراث عظیم و ناشناخته‌ای از

فلسفه و عرفان کشورمان از زمان زرتشت تا ظهور اسلام و آراء اندیشمندان بزرگ اسلام و ایران در طی قرون بعد و تأکیدی که بر مقام والای بشر در شعر و عرفان ایران می‌شد آشنا شدم و احساس کردم که جهت پژوهش‌های آتی خود را یافته‌ام. پس از بازگشت به ایران به تدریس فلسفه و منطق در دبیرستانهای آبادان و دانشسراهای کارشناسی برای معلمان آبادان و خرمشهر و مدیریت این سازمانها پرداختم. چند سالی نیز مدیریت و معاونت اداری بخش‌های نه‌گانه وزارت آموزش و پرورش را در تهران بر عهده داشتم. ولی عمده فعالیت‌های من در دو دهه اخیر به تحقیق و پژوهش در آثار عرفانی و آثار اندیشمندان و ایران‌شناسان غرب متمرکز شده و با ارتباط نزدیک با این خاورشناسان بخصوص زنده‌یاد استاد فریتس مایر - هربرت دودا - هرمان لاندولت و خانم دکتر گودرون شوبرت و در زمینه‌های روش‌های علمی پرورشی با پروفیسور ولفگانگ برزینکا به اهداف علمی و پژوهشی خود نزدیکتر شدم.

کارهایی که در این مدت انجام داده‌ام عبارتند از:

۱ ترجمه: نقش تعلیم و تربیت در جهان امروز تألیف ولفگانگ برزینکا متفکر بزرگ آلمانی ترجمه بررسی مسائل و مشکلات جوانان در دوران بلوغ اثر الیزابت پلاتنر روانشناس و روانپزشک آلمانی، ترجمه بخشی از کتاب دریای جان اثر بلموت ریتز در جلد اول و تصحیح و تکمیل آن در چاپ دوم ترجمه ابوسعید ابوالخیر یا حقیقت و افسانه اثر استاد فریتس مایر ترجمه بهاء‌ولد اثر فریتس مایر پژوهشی است کم‌نظیر و ارزنده درباره پدر مولانا جلال‌الدین رومی که در حال حاضر در انتشارات سروش زیر چاپ است ترجمه رساله اسماعیلیه و عرفان اثر پژوهشی از استاد مایر به اهتمام مرکز نشر دانشگاهی که در شماره ۲ دوره هیجدهم مجله معارف ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است.

همچنین در این مدت همکاری نزدیکی با فرهنگستان زبان و ادب فارسی داشته و سلسله مقالات کلیدی متعددی برای دانشنامه فرهنگستان نگاشته و ارسال داشته‌ام.

— اولین بار چه زمانی با نام پروفیسور فریتس مایر آشنا شدید؟

زمانی که در اتریش تحصیل می‌کردم برای اولین بار نام فریتس مایر را شنیدم. به این ترتیب که از طریق پروفیسور هربرت دودا دوست و همکار نزدیک مایر و استاد مستقیم من در شرق‌شناسی از پژوهش‌هایی که فریتس مایر درباره عرفای ایران و بخصوص ابوسعید ابوالخیر آغاز کرده بود آگاهی یافتم؛ ولی هرگز تصور نمی‌کردم که سعادت برگردان این کتاب ارزنده روزی نصیب من شود، تا آنکه ضمن کارهایی که در مرکز نشر دانشگاهی داشتم روزی دانشمند ارجمند استاد نصرالله پورجوادی مرا فراخوانده و متن آلمانی این اثر سترگ یعنی ابوسعید ابوالخیر را به

# دریای جان

سیری در آراء و احوال شیخ فریدالدین عطار نیشابوری

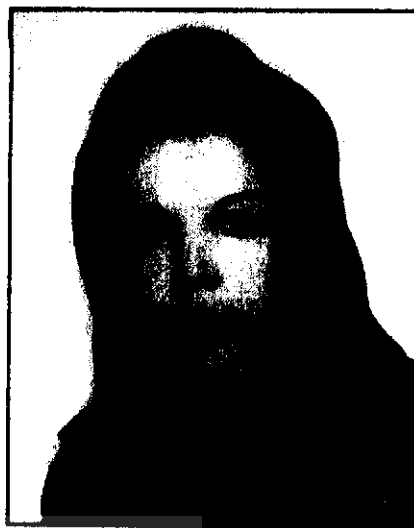
نویسنده  
هلموت ریتر

ترجمه  
دکتر مهرآفاق بایوردی



انتشارات بین‌المللی الهدی

۱۳۷۹



● دکتر مهرآفاق بایوردی

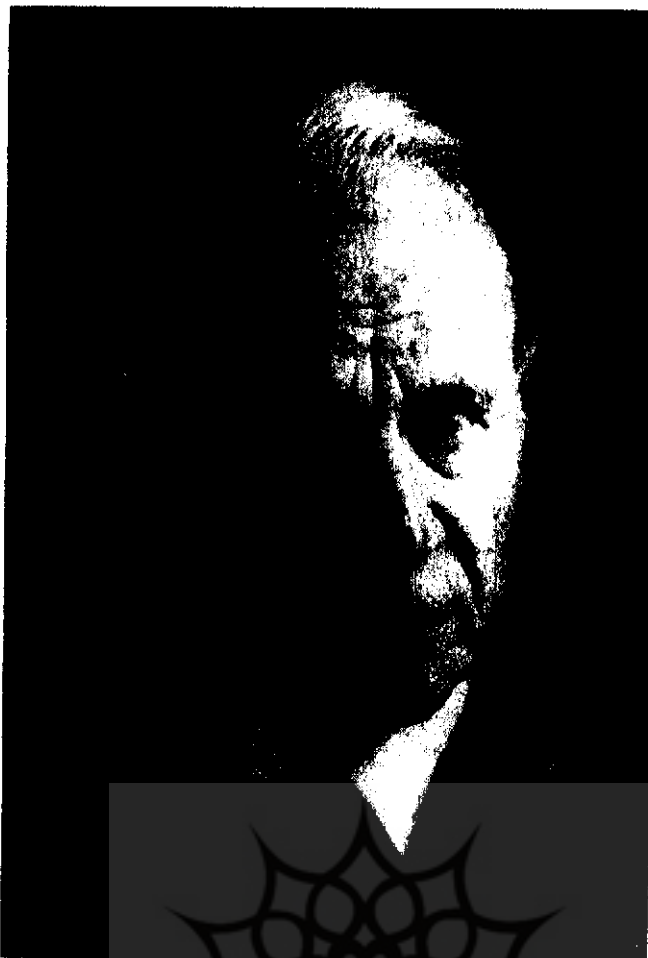
دستم داد تا درباره ترجمه آن به فارسی بیندیشیم. لحظاتی چند از هیبت و عظمت این خطه بکر و ناشناخته‌ای که رویاروی من قرار داشت دچار تشویش و تردید شدم و در نهانخانه دل از انقباس آن شیخ بزرگوار که در این گنجینه اسرار نهفته بود مدد خواستم ولی استاد پورجوادی با آن آرامش و بردباری خاص خود گفت که: شتابی در کار نیست این گنجینه به میراث عرفان و ادب ایران تعلق دارد و آن چه مطرح است کوشش و پویش در احیای این تاریخ خاموش و کشف این جنگ ناشناخته است. این چنین بود که دنیای تازه‌ای بر من مکشوف شد که تا مدت‌ها در آن محو و مستغرق بودم. آشنایی و ارتباط شخصی من با استاد مایر زمانی آغاز شد که طی نامه مشروحی از ایشان کسب اجازه برای ترجمه کتاب کرده و یادآور شدم که من علاوه بر موافقت کتبی حمایت و ارشاد معنوی ایشان را نیز طالبم تا در جستجوی حقیقت به بیراهه نروم. و استاد مایر با نهایت بزرگواری آمادگی خود را برای هر نوع کمک و ارشاد و همکاری‌های لازم در رفع معضلاتی که احتمالاً بر سر راه یک چنین اقدامی ممکن بود پیش بیاید اعلام کرد و من توانستم کتباً یا حضوراً از نظریات، راهنمایی‌ها و دیدگاه‌های شخصی، بخصوص از منابع و نسخ نادر و ذقیمت کتابخانه شخصی ایشان سود جویم. یکی از مزایای کم‌نظیر این برگردان آن است که از بدو شروع کار نسخه‌ای از تمام مطالبی که پس از تحقیق، ترجمه و تدوین کار جمع‌آوری می‌شد، به محضر استاد مایر ارسال می‌گشت و ایشان آنها را با دقت و علاقه تمام مطالعه کرده و

نظریات خود را همراه با پاسخ به سؤالاتی که مطرح می‌کردم برای اینجانب عودت می‌داد و افزون بر این در جلساتی که سه سال متوالی در محضرشان حضور پیدا کردم کلیه نسخی که از نظرشان گذشته بود بار دیگر (بیشتر از لحاظ مباحث لغوی و مقابله با مآخذ و متون اصلی) مورد بحث و بررسی تصحیح و تنقیح قرار می‌گرفت و ایشان از چنان سعه صدری برخوردار بود که در پاره‌ای موارد مطالب نادری را هم که از نظر من نیاز به تغییر و یا توضیح بیشتری داشت خود تصحیح می‌کردند.

### — درباره زندگی و آثار استاد مایر مطالبی بیان کنید.

عسارت کس نپذیرفته‌ام                      آنچه دلم گفت بگو گفته‌ام

تک بیتی است از صدرالدین محمد بن حسینی دهلوی مشهور به گیسو دراز از عرفای طریقت چشتیه که بر سنگ مزار فریتس مایر بنا به وصیت خود ایشان حکا شده است. استاد مایر پیر فرزانه‌ای که از پایگاه رفیع عزلت و جایگاه بلند اندیشه‌های تابناک خویش ژرفنای تاریخ و گنجینه‌های حکمت و اسرار مشرق زمین را درنوردیده و سال به سال برگ‌های تازه بر اوراق زرین حیات پربار خویش می‌افزود، بیش از پنجاه سال ذهن خلاق و دانش وسیع خود را با کوششی خستگی‌ناپذیر وقف مطالعه و پژوهش در معارف اسلامی و دستاوردهای عرفان ایران کرده و عرصه‌های بکر و ناشناخته‌ای را در قلمرو علم کلام و تاریخ تصوف گشود. این شرقشناس نامدار که متأسفانه پیش از چاپ و انتشار ترجمه آثار مورد علاقه خود مانند کتاب ابوسعید ابوالخیر و بهاء ولد در دهم جولای ۱۹۹۸ دارفانی را وداع گفت، در دهم جولای ۱۹۱۲ (سالروز مرگ خود) در شهر بال (بازل) سویس چشم به جهان گشود. دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی خود را در دهکده گلتز کیندن (Gelterkinden) از توابع بال سپری کرده و تحصیلات دبیرستانی خود را در بال به اتمام رسانید. سپس در دانشگاه بال به تحصیل در رشته‌های معارف اسلامی - زبان و ادبیات ساسی، متن‌شناسی و فقه اللغه در نزد استادان بنامی چون رودولف چودی (Rudolf Tochudi) والتر باومگارتنر (Walter Baumgartner) و پتر فون درمول (Peter Von der Mühl) و دیگر اساتید فن پرداخت. در زمستان سال ۳۷ - ۱۹۳۶ پایان‌نامه دکترای خود را درباره شیخ ابواسحق کازرونی نزد استاد عالیقدر خود رودولف چودی به اتمام رسانید و هم او بود که مایر را در سال ۱۹۳۵ به استانبول و نزد هلموت ریتز فرستاد تا با همکاری وی به تنظیم و گردآوری نسخ خطی در کتابخانه‌های استانبول بپردازد. در سال ۱۹۳۷ برای اولین بار سفری به ایران کرده و مدتی در شهرهای تهران، اصفهان و شیراز اقامت گزید. مایر در سال ۱۹۳۸ بار دیگر به استانبول عزیمت نمود تا مطالعات خود را درباره معارف اسلامی و عرفای فارسی زبان



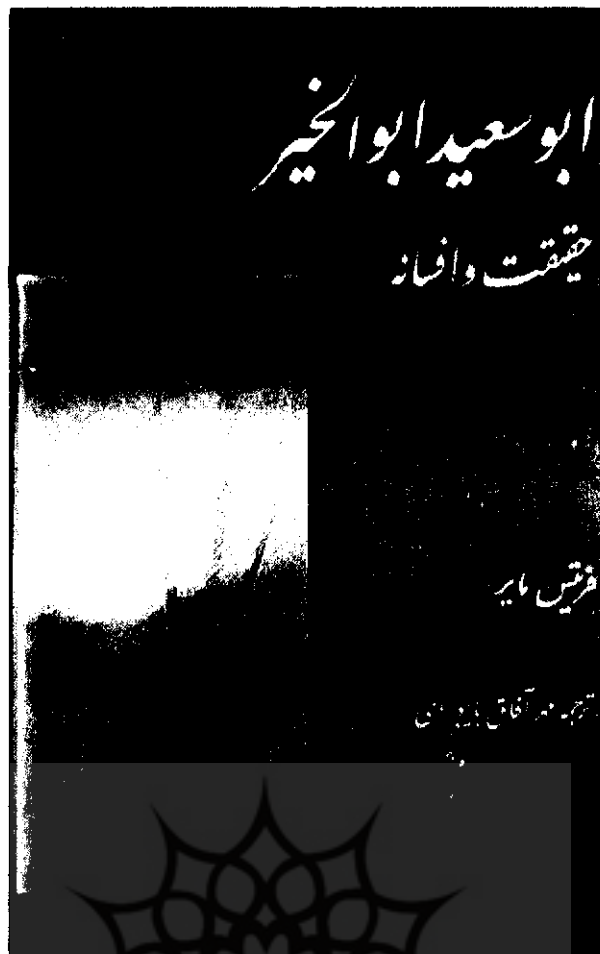
تکمیل نموده و با همکاری هلموت ریتز به جمع‌آوری و تنظیم نسخ خطی کتابخانه‌های مساجد استانبول پردازد.

تعدادی از تبعات استاد در زمینه تصحیح و مقابله نسخ خطی و تجدید چاپ آنها در همین سالهای اقامت ایشان در ترکیه صورت گرفته است. از جمله نخستین آثار مایر تصحیح و چاپ فردوس المرشدیه اثر محمود بن عثمان با مقدمه‌ای بسیار جامع در باب شیخ ابواسحق شهریار کازرونی است. همچنین مقاله‌ای درباره شیخ احمد جام و منابع نضجات الأُنس جامی و نیز فوائح الجمال و فوائح الجلال که تحقیقات گسترده‌ی وی را درباره شیخ نجم‌الدین گبری در بر می‌گیرد از کارهای ارزنده استاد در ترکیه است. استاد مایر در سال ۱۹۴۱ در سی سالگی با تحقیقات بسیار جامع خود درباره مهستی شاعره عصر سامانی و رباعیات وی رساله خود را برای احراز کرسی شرق‌شناسی با موفقیت به اتمام رسانید. در این کتاب رباعیات مهستی با دقت و ظرافت تمام ترجمه و نکته‌های تاریخی ادبی و اجتماعی آن به شرح بازنموده شده است. گفتنی است که در مقدمه این کتاب یکی از بهترین تحقیقات معاصر را درباره رباعی و اوزان آن می‌توان یافت. جلد دوم این کتاب که شامل حکایات فولکلوریک درباره مهستی و امیراحمد سامانی است ناتمام مانده بود که اخیراً به اهتمام همکاران ارزنده ایشان خانم دکتر گودرون شوپرت و دکتر رناته و ورش در حال تکمیل و انتشار است. مایر در سال ۱۹۴۶ بنا به دعوت دانشگاه فاروق در

اسکندریه به مصر عزیمت کرد و تا سال ۱۹۲۸ کرسی زبان و ادبیات فارسی را در آن دانشگاه عهده‌دار بود. در سال ۱۹۶۲ به جانشینی استاد خود رودولف چودی برگزیده شد و کرسی‌های شرق‌شناسی، تاریخ ادیان و ادبیات فارسی را بر عهده گرفت استاد مایر از آن تاریخ تا سال ۱۹۸۲ که به درجه بازنشستگی نایل آمد در موطن خود باقی ماند و فعالیت‌های علمی خود را فقط یک بار قطع کرد تا برای سفری سه ماهه به ایران عزیمت نماید که طی آن به مطالعه و تحقیق در نسخ خطی کتابخانه‌های ایران پرداخت و در همین سال (۱۳۵۲ شمسی) بود که به دریافت درجه دکتری افتخاری از دانشگاه تهران نایل آمد. جز این سفر و سفرهای پژوهشی چندی به اکثر کشورهای اسلامی از جمله بیروت، دمشق، مراکش، افغانستان و پاکستان مایر کلیه دعوت‌هایی را که برای تدریس و یا تصدی کرسی افتخاری در ممالک دیگر از جمله ایالات متحده آمریکا از وی به عمل آمده بود رد کرد. از جمله آثار اخیر استاد مایر کتاب بهاء ولد و ابوسعید ابوالخیر یا حقیقت و افسانه است که شرح جزئیات آن در پی خواهد آمد. همچنین مجموعه عظیم: سنگهای زیر بنای معارف اسلامی (Bausteine) که سلسله مقالات و پژوهش‌های جدید مایر را در بر می‌گیرد و از جمله آخرین آثار مایر تحقیقاتی است وسیع درباره فرقه نقشبندیه که در سال ۱۹۹۴ در دو مبحث کلی: رابطه قلبی مزید و شیخ و اعمال قدرت و تصرف در نزد مشایخ به چاپ رسیده است. همچنین رساله تحقیقی اسماعیلیه و عرفان که پس از درگذشت استاد چاپ و توسط اینجانب در مرکز نشر دانشگاهی ترجمه شد. از استاد مایر کارها و پژوهش‌های ناتمامی نیز بر جای مانده است که از آن جمله است تحقیقات جامع وی درباره حیات پس از مرگ حضرت محمد (ص) و پژوهش‌های استاد در عرصه بکر و ناشناخته‌ای از عرفان ایران و ارتباط آن با گنوستیک یونان. مایر سعی داشت ریشه‌های مانویت و اندیشه‌های عرفانی مستقر در تعالیم زرتشت را در آراء گنوسی یونان باستان جستجو کند ولی پیوسته بیم از آن داشت که عمر در حال افول وی مجال اتمام این کار عظیم را ندهد. استاد مایر علاوه بر دریافت دکتری افتخاری از دانشگاه فرایبورگ، عضویت آکادمی علمی هایدلبرگ و عضویت افتخاری انجمن شرقشناسان آلمان را نیز دارا بود.

### — چه ویژگی‌هایی در کار پروفیسور مایر دیده‌اید؟

در شرح خصوصیات روحی و علمی مایر باید گفت که وی مهارتی کم‌نظیر و استعدادی حیرت‌انگیز در کشف معانی و نکات ناشناخته داشت. به طوری که آنچه وی از متون و نسخ عرفا و اندیشمندان شرق استنباط و استنتاج می‌کرد، نکاتی را در برداشت که شاید در وهله اول و مراحل بعد نیز از نظر اکثر دانش‌پژوهان در اختفا می‌ماند. مایر علاقه و کشش خاصی برای



پژوهش در عمق موضوعات نادر و شخصیت‌های خاص داشت و کمتر به تحقیقات کلی و فهرست‌وار در ابعاد گسترده روی می‌کرد. شاید مثال بارز برای مطالعات اختصاصی و کشف مطالب ناشناخته از عمق شخصیت‌های مورد علاقه وی کتاب ابوسعید ابوالخیر و بهاء ولد باشد که عوالم غریب و اعجاب‌انگیزی را پیش روی خواننده باز می‌گشاید. استاد مایر کارهای علمی خود را با نگارش تذکره‌ها و زندگینامه‌های بزرگ و رسالات کوچک و پراکنده آغاز کرد. وی، همچنین در زمینه‌های متعدد و متنوعی چون ادبیات، زبان، الهیات عرفان و آداب و رسوم قومی فعالیت‌های قابل ملاحظه‌ای داشت. مایر در تحقیقاتی که انجام می‌داد خود را کلاً وقف موضوع می‌کرد و تلاش می‌نمود تا کُنه معانی و مطالب را از پوست خارجی آن جدا کرده و عیان سازد. آنچه که وی را در بند می‌کشید نفس پژوهش و شناخت ماهیت و کیفیت اشیاء بود و لاغیر. مایر خود را مجذوب می‌دانست و نه سالک، مجذوب از علم لایناهی و اندیشه پویا. وی هرگز تحت تأثیر موضوع پژوهش‌های خود قرار نگرفت و خود را پایبند هیچیک از مکتب‌های فکری و عقیدتی نشان نداد و هیچ نوع گرایشی به مکتبی و یا مذهبی در خود احساس نمی‌کرد و تا پایان عمر نیز فاصله لازم را با آنها حفظ کرد ولی همچنان در پی کشف نایافته‌ها باقی ماند. در عصری که علوم عقلی و معنوی نیز روز به روز بیشتر به زبان انگلیسی گرایش پیدا می‌کند، مایر خدمات ارزنده‌ای به زبان آلمانی در حدّ یک زبان علمی انجام داد.

## — انگیزه پروفیسور فرقیس مایر از تدوین کتاب ابوسعید ابوالخیر که یکی از شاهکارهای اوست چه بود؟

آنچه که در تعیین جهت پژوهش‌های عرفانی مایر قاطعیت ویژه‌ای دارد، سفر وی به ترکیه و همکاری نزدیک با هلموت ریتر است. مایر در سالهای اقامت خود در استانبول با ارشاد و همکاری نزدیک ریتر به تنظیم و تصحیح نسخ خطی کتابخانه‌های مساجد پرداخت. دستنوشته‌های عربی و فارسی که وی در کتابخانه‌های استانبول کشف کرد سرآغاز پژوهش‌های عرفانی وی در سالهای بعد شد و عشق و علاقه سیری‌ناپذیر وی را به تحقیق در وادی بی‌انتهای عرفان اسلامی و شعر و ادب فارسی بیدار نمود. در مورد آشنایی مایر با افکار و عرفان ابوسعید باید گفت که سفرهای متوالی استاد به ایران و اقامت‌های طولانی وی در نقاط مختلف میهن مان بخصوص اصفهان و دیدار و گفت و شنودهای پربار و صمیمانه او با دراویش و بزرگان فرق مختلف صوفیه در ایران از عوامل تعیین کننده بود. و اما درباره انگیزه خاص مایر در نگارش کتاب ابوسعید قولی از استاد را در پیشگفتار کتاب نقل می‌کنم که می‌نویسد: «ابوسعید ابوالخیر عارفی است که از جهات مختلف و به کرات توجه همگان را به خود جلب کرده است دلیل اینکه چرا این بررسی جدید درباره او انتشار می‌یابد، اینست که شخصیت خاص او روشن تر ترسیم شود و مفهوم عمیقی که با نام او پیوند خورده است، بهتر توجیه گردد. اگر در مورد حلاج ابهام و دوگانگی روح او و سرنوشت غم‌انگیزی که به استقبال آن شتافت، انسان را در بند انتظار و اضطراب می‌کشد، در مورد ابوسعید آن شور و شادی و حالات پر از نشاطی که از لابلای حکایات مربوط به او در تمام سطوح جلوه‌گر می‌شود، کنجکاوای شخص را برمی‌انگیزد تا علت اصلی و پیوستگی این حالات را با شخصیت او درک کند». مایر در باب هشتم کتاب به بارزترین خصلت روحی ابوسعید می‌پردازد. به خوشدلی و شادکامی وی، آن سرخوشی و سبک روحی که عموماً در فرهنگ عرفا رایج نبوده است. نگاهی اجمالی به دوران تصوف کلاسیک تا عصر قشیری نشان می‌دهد که شادی در هیچیک از مقامات عرفانی جایگاه قابل ملاحظه‌ای نداشته است از سوی دیگر تحقیقات مایر در این کتاب توانسته است تا حد وسیع و چشم‌گیری خلأ موجود درباره زندگی ابوسعید را پر کند. پژوهش‌هایی که تاکنون درباره ابوسعید به عمل آمده است، صرفنظر از تحقیقات دقیق و عالمانه استاد سعید نفیسی و دکتر شفیع کدکنی بسیار ناقص و کلیشه‌ای و در حقیقت تکرار مکررات و چاپ نسخ قبلی بوده است. مطالب نیز منحصر می‌شد به مختصری از شرح حال و احوال و بخصوص شرح و بسط مقام شاعری ابوسعید که کلاً مغایر با حقیقت بوده است؛ در حالی که تحقیقات بی‌سابقه مایر نکات تاریک زیادی را از زندگی ابوسعید روشن کرده است که از جمله می‌توان از جداسازی مداهنه‌گویی‌ها و افسانه‌پردازی‌ها از زندگی واقعی



ابوسعید نام برد. در این راستا قرار دارد تحقیقات عمیق و مستند وی دربارهٔ اینکه ابوسعید در زندگی خود جز یک بیت و یک رباعی شعری نسروده است و آنچه برحسب حال و مقال بر زبان ابوسعید جاری شده است همگی از گذشتگان و پیران وی و تنها منسوب به او و نه متعلق به او بوده است و یا برداشت ابوسعید از تکالیف دینی و شرعی چون نماز و حج و نکات عیدیهٔ دیگر و بالاخره تحقیقات عمیق و گسترده‌ای که در این اثر جامع از حیات و احوال و سلوک و طریقت ابوسعید به عمل آمده است، صدها نکته بدیع دیگر را نه تنها از افکار و عرفان ابوسعید، بلکه تاریخ و فلسفه تصوف اسلامی، فِرَق مذهبی، مکاتب مختلف فقه و کلام نحله‌ها و فرق مختلف در ایران و سایر ممالک اسلامی در شرق و غرب، نظام خانقاه‌ها و تجمعات صوفیه، مباحث فقهی و کلامی در مطاوی ملل و نخل، توصیف جامعی از نظام خانواده‌های مرابطی و ارتباط آنها با خاندان ابوسعید و بالاخره تحولات سیاسی و اجتماعی آن عصر را نیز در بر گرفته است. بخصوص توجه به خانقاه‌هایی که پس از ابوسعید در نقاط و بلاد مختلف از جمله بغداد و شروان بر پا شده بود و ردیابی گروهی از احفاد و بازماندگان ابوسعید که در حال حاضر در کرمان با نام ابوسعیدی زندگی می‌کنند از زبده پژوهش‌های مایر است. در اینجا لازم به یادآوری است که قسمت عمده پژوهش‌های مایر متکی بر آراء و تحقیقات و نقدهای مستشرقین سَلَف و معاصرین وی بوده است. تحقیقات گسترده و جامعی که مایر دربارهٔ صوفیات (صوفی‌های زن) و قلمرو شیوخ مرابطی در مغرب (مراکش) و بخصوص در زمینهٔ تاریخ و جغرافیای آن زمان به دست داده است در حد وسیعی متکی به تحقیقات پژوهشگران معاصر و یا پیشگامان وی مانند ژوکوفسکی، فواد سزگین، نیکلسون، آبروی اوستین، لوئی ماسینیون، ای. جی براون، بُرکلمان، گلدسیهر، ژیلبرت لازارد، هانری کوربن، ثودور نولدکه، پدرسن، هلموت ریتز و تعداد کثیر دیگری بوده است همچنین بخش اعظم کتاب ابوسعید ابوالخیر متضمّن غور و تفحص در آراء و افکار متکلمین، فیلسوفان و عرفای ایران و اسلام برحسب حال و مقام بوده است. به طور مثال مایر فصل جداگانه‌ای را در مورد شادی و سرور به یحیی بن مُعاد رازی و دیگر صوفیه خوشدل اختصاص داده است و یا در مباحثی چون قبض و بسط، خوف و رجاء، سماع و موسیقی و مباحث کلامی چون عدل الهی، جبر و اختیار تدبیر و تقدیر، تسلیم و رضا، معاصی کبیره، تشبیه و حلول، حُکم وقت، وعد و وعید و ده‌ها نکته دیگر نخست به شرح آیات و قصص قرآنی و نقل احادیث قدسی و نبوی و آراء متکلمین و اندیشمندانی چون حکیم ترمذی، قشیری، محمد غزالی، جُلّابی هُجویری، عبدالله انصاری، احمد رودباری، بایزید بسطامی، عمر سه‌روردی، کلابادی، روزبهان خُنجی، عین القضاة همدانی و ده‌ها تن دیگر از اصحاب رأی و اندیشه پرداخته و سپس به بررسی این مفاهیم در ارتباط با عرفان و آراء ابوسعید دست زده است.

— شما در حین ترجمه با چه دشواری‌ها و مشکلاتی مواجه بودید؟ و کار ترجمه چقدر طول کشید؟ و مشکلات خود را چگونه حل می‌کردید؟

البته سبک استاد مایر را در نوشته‌های ایشان باید سخت پیچیده و غامض و در بند عبارات و اصطلاحات غیرمتداول و خاص ایشان خواند. به طوری که پاره‌ای از موارد پیش می‌آمد که من بر روی جمله‌ای یا عبارتی ساعتی و حتی روزها و شبها به تفکر و تعمق می‌نشستم و سعی می‌کردم که این مُعضل را حتی الامکان خود بگشایم که گاه موفق می‌شدم و گاهی نیز ناچار می‌شدم که «مُشکل خویش را بر پیر مُغان ببرم تا شاید وی به تأیید نظر حلّ معماً کند» و این چنین نیز می‌شد و ایشان اکثراً طیّ مکاتباتی که داشتیم موضوع را باز می‌کردند و یا در جلساتی که به حضورشان می‌رسیدم دربارهٔ مشکلات پدید آمده بحث و گفتگو می‌کردیم که البته کار چندان سهلی هم نبود. زیرا که استاد در اکثر موارد فلسفه و دیدگاه‌های خاص خود را نیز که از فرهنگ آلمانی زبانان سرچشمه می‌گرفت دخالت می‌دادند و من در مقابل ایشان مقاومت می‌کردم و تا مطالب را آنچنانکه درخور فهم و درک خوانندگان فارسی زبان توجیه نمی‌کردند دست‌بردار نبودم. مُشکل دیگری که من در حین کار و مطالعات خود با آن مواجه بودم عدم دسترسی به پاره‌ای از منابع مورد استفاده ایشان بود که غالباً نیز از منابع و مآخذ عربی و چاپهای قدیم از انتشارات ممالک عربی زبان مانند مغرب — تونس — دمشق، بیروت و قاهره بود و یا اینکه چاپ و سال انتشار مآخذی که در کتاب خود به آن استناد می‌کردند با چاپی که من در کتابخانه‌های تهران پیدا می‌کردم قابل انطباق نبود و طبعاً رکود و وقفه‌ای در کار من ایجاد می‌شد. البته این مشکلات را که مربوط به مآخذ و منابع بود سعی می‌کردم در سفرهایی که به بال داشتم با مراجعه به کتابخانه شخصی استاد حلّ کنم و این سفرهای مطالعاتی همان طوری که پیشتر اشاره کردم سه بار در سه سال متوالی تکرار شد. مدّت زمانی که من برای ترجمه کتاب ابوسعید صرف کردم نزدیک به سه سال و مدّت ویرایش، حروف چینی و کارهای فنی دیگر آن در مرکز نشر دانشگاهی به دو سال کشید.

— کتاب دیگر فریتس مایر یعنی بهاء ولد از چه سخن می‌گوید؟

یکی از آثار بدیع و در عین حال پیچیده فریتس مایر دربارهٔ عرفای ایران کتاب بهاء ولد، خطوط اصلی زندگی و عرفان اوست که در سال ۱۹۸۷ به چاپ رسیده است. استاد مایر خاورشناس سختکوش و توانمند سوئیسی بار دیگر گام در راه صعب‌العبور مقامات و منازل عرفان گذاشته و دست به ترسیم چهره‌ای از بزرگان دین و عرفان ایران زده است که تاکنون شاید برای اکثریت تودهٔ مردم نامی ناشناخته بود. بهاء ولد یا پدر مولانا جلال‌الدین رومی مدتها در

سایهٔ پسرش باقی مانده و تنها به حسب حال و مقام و یا در ارتباط با مولانا نامی از او در آثار مکتوبِ تذکره‌نویسان و یا در خاطرات پسرش جلال‌الدین به چشم می‌خورد.

استاد ماير در مقدمه کتاب بهاء ولد می‌گوید: «مدتها بود که می‌خواستم بهاء ولد، این عارف روشن‌بین و ناشناخته را از سایهٔ پسرش مولانا جدا کرده و او را به سخن آورم تا از عرفان خود نکته‌ها گوید و رازها از پرده براندازد. چرا که محققان و دانش‌پژوهان تاکنون به سراپردهٔ اسرار او راه نیافته بودند. عرفان بهاء ولد نوع بکری از عرفان اسلامی است که تاکنون در جایی به ثبت نرسیده است. عرفانی که شکافِ موجود بین خدا و جهان و صانع و مصنوع را از میان برداشته و نه تنها جسم را تحقیر و منکوب نمی‌کند بلکه جسم و ماده را نیز از نوعی «دیانت بالقوه» برخوردار می‌داند و می‌کوشد تا آنها را با تمام ذرات وجود و اجزاء لایتجزای خود در سیر به سوی احادیث حیات و بقا بخشد.»

### — آشنایی شما با هلموت ریتز و آثارش چگونه بود؟

من هیچ‌گونه آشنایی قبلی و یا شخصی با هلموت ریتز نداشتم، زیرا که ایشان در سال ۱۹۷۱ روی در نقاب خاک کشیده بودند. ولی آشنایی من با آثارشان زمانی آغاز شد که در سال ۱۳۷۴ به مناسبت برگزاری کنگره جهانی عطار در تهران به بنده پیشنهاد شد تا کتاب دریای جان ایشان را به اتفاق زنده یاد عباس زریاب‌خویی به فارسی ترجمه کنم و برای اولین بار متن آلمانی دریای جان را [Das Meer der Seele] که دنیایی است از حکمت و عرفان و شعر و فن بیان به دست گرفتم و با افکار و شیوهٔ نگارش و پژوهش‌های عالمانه این شرقشناس قدرتمند و هنرمند آشنا شدم. هنرمند از این لحاظ که ایشان در شرح مثنوی‌های عطار ضمن توجه به مسائل و معانی پیچیدهٔ عرفانی خواننده را با مهارت و استادی تمام همراه با سالک فکرت و یا مرغان افسانه‌ای در منطق الطیر و یا قهرمانان سایر مثنوی‌ها وارد دنیای زیبای شگفتی‌ها و خیال‌پردازی‌ها کرده و سرانجام به دریای جان می‌رساند. متأسفانه عمر استاد زریاب‌خویی کفاف این را نداد که بیشتر از سیزده فصل از این کتاب را ترجمه کنند، به طوری که جلد اول دریای جان که در مهر ماه ۱۳۷۴ به کنگره عطار ارائه شد با همکاری مشترک ایشان (از آغاز تا فصل ۱۳) و اینجانب (از فصل ۱۴ تا ۲۳) به پایان رسیده و آماده چاپ شد. ولی نظر به اینکه این جلد در شتاب تمام و کمبود وقت تهیه شده بود متأسفانه فصولی که شادروان زریاب‌خویی ترجمه کرده بود بدون بازبینی مجدد و ویرایش کامل چاپ شده و نتیجتاً نیاز به تصحیح و تکمیل مطالب از قلم افتاده داشت که من در چاپ دوم جلد اول این کار را انجام دادم و دو فصل ۲۴ و ۲۵ را نیز که از یادداشت‌های پراکنده استاد به دستم افتاده بود ترجمه و به چاپ دوم جلد اول ملحق کردم.

جلد دوم آن هم با ترجمه خودم که شامل فصول ۲۴ تا سیام بود و کلیه فهراس و کتابشناسی جلد اول و دوم در مهر ماه ۱۳۷۹ از طرف انتشارات بین‌المللی الهدی چاپ و منتشر شد. من در حین ترجمه کتاب دریای جان با دیگر آثار ریتز نیز از جمله تصحیح و چاپ الهی نامه عطار، کیمیای سعادت غزالی بنام الکسیر زبان تشبیه در شعر نظامی، الاسلامین اشعری، فرق الشیعه نوبختی غایه الحکم مجریطی، هفت پیکر نظامی و سوانح احمد غزالی آشنایی بیشتر یافته و به هدفم نزدیکتر شدم. یکی از ویژگیهای کار هلموت ریتز اینست که او در برگردان و تحلیل کلیه مثنوی‌ها و داستانهای عطار خود را در قالب قهرمان داستانها چه موجودات زنده یا کیهانی و یا بیجان می‌بیند و این تجسم زنده صحنه‌ها توصیفات او را از نوعی سرزندگی و جاذبه خاصی سرشار می‌کند. ریتز در کتاب دریای جان با دقت و مهارت تمام و با اتکا به مستندات نادر، عطار واقعی را در چارچوب و یا خارج از سنت‌های وی به تصویر می‌کشد. وی همچنین در جنب توجه و اشتغال به آثار عرفانی به مطالعات دقیق و جامعی نیز در علم معانی و بیان در زبان عربی پرداخته است. به طوری که سی سال تمام وقت صرف کرد تا به رموز و فنون متن بسیار پیچیده کتاب اسرارالبلاغه عبدالقاهر جرجانی از قرن پنجم پی ببرد. وی در سال ۱۹۵۴ چاپ بسیار دقیق و انتقادی این کتاب را که همراه با تغییرات و تعبیرات و شواهد مستند و قابل اتکا بود به چاپ رسانیده و در سال ۱۹۵۹ برگردان کاملی از آن را به زبان آلمانی و یادداشت‌ها و الحاقات متعدّد منتشر ساخت. خوشبختانه فریتس مایر یادواره جامعی از استاد خود هلموت ریتز را در مقدمه کتاب Bausteine (سنگ بناها) که اینک در دست ترجمه دارم و شامل نکته‌ها، خاطرات و برداشت‌های بسیار ذیقیمتی از حیات، افکار و آثار دیگر اوست، به چاپ رسانیده است که امیدوارم پس از انتشار این اثر مورد استفاده همگان قرار گیرد.

۶۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

— از برنامه‌های آینده‌تان بگوئید.

در حال حاضر علاوه بر بازبینی نهایی کتاب بهاء‌ولد سلسله مقالات و پژوهش‌های فریتس مایر را در دست ترجمه دارم. نام این مجموعه عظیم که به مناسبت هشتادمین سالروز تولّد استاد مایر از طرف همکاران و شاگردان ایشان در سال ۱۹۹۲ جمع‌آوری چاپ و به ایشان اهدا شده بود «Bausteine» یا سنگ بناهای معارف اسلامی است این اثر یکی از بدیع‌ترین جنگ‌های گنجینه باز یافته معارف اسلامی، عرفان و کلام و شعر و ادب فارسی است که مقالات برگزیده — تبیغات و رسالات پراکنده استاد با اصلاحات و الحاقات و فهراس اختصاصی ایشان را در بر دارد. نسخ و متون نادری که در زمینه تحقیقات و یافته‌های جدید استاد به زبان اصلی فارسی و عربی ضمیمه متن کتاب شده است در هر برگ مایه تحسین و حیرت می‌شود. با توجه به حجم

و دامنه چشم‌گیر مطالب تصمیم گرفتم با موافقت و صلاح‌دید انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم این مجموعه را در چهار جلد مجزا با عناوین: تصوف و عرفان - آداب و رسوم قومی، مباحث کلامی و مجامع دینی و بالاخره ادب و زبان فارسی ترجمه و منتشر نمائیم. برنامه‌های دیگری که اگر عمری باشد در نظر دارم تفسیری بر ترجمه دو جلد مهستی زیبا شاعره دوره سامانیان است که یکی از آثار زیبا و دلکش مایراست. همچنین ترجمه آخرین اثر ایشان که پس از درگذشت استاد به همت همکاران ارزنده ایشان چاپ و منتشر شده است با عناوین ستایش محمد (ص)<sup>۱</sup> و دعای خیر و برکت درباره محمد<sup>۲</sup>



انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر کرده است  
نقش بازار در قیام ۱۵ خرداد/رحیم روحبخش  
چالش‌های ایران و امریکا، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران/حمید معباری  
ماجرای هاشم آغاچری/روح‌الله حسینیان و مطالعات فرهنگی  
حزب مردم/محمود لالوی  
بهائیت در ایران/دکتر سیدسعید زاهدزاهدانی با همکاری محمدعلی سلامی  
روشنفکری دینی و انقلاب اسلامی/فرهاد شیخ فرشی  
انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی - تهران - خیابان شریعتی، نرسیده به  
میدان قدس روبروی پمپ بنزین اسدی، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۸۹۶  
تلفن: ۲۲۱۱۱۹۴ - تلفکس ۲۲۱۱۱۷۴

1 - Bemerkungen Zur Mohammadverehrung

2 - Die Segensspröchung üler Mohammad.